



دی ماه | سال ۱۴۰۳

گزارش تحلیلی

سناریوهای محتمل پس از روی کار آمدن ترامپ در قبال پرونده ایران

شناخت و مقابله با فشار حداکثری و احتمال فعالسازی مکانیزم ماشه

رصدخانه اندیشکده ها



رصدخانه اندیشکده ها

عنوان: سناریوهای محتمل پس از روی کار آمدن ترامپ در قبال پرونده ایران

ناظر طرح: بردیا عطاران

نویسنده: گروه تحلیل رصدخانه اندیشکده‌ها

طرح جلد و صفحه آرایشی: علی حکیمی

نوبت چاپ: دی ماه - ۱۴۰۳

همه حقوق این اثر برای رصدخانه اندیشکده‌ها محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، چهارراه ولیعصر، قبل از برادران مظفر، پ ۹۰۷

صندوق پستی: ۱۴۱۶۹۳۵۹۵۱ تلفن: ۰۶۴۴ ۶۶۹۸ ۰۲۱ www.rasadkhone.ir

مقدمه

روی کارآمدن مجدد دونالد ترامپ، شهادت سید حسن نصرالله و کادر اصلی فرماندهی حزب الله و تضعیف قدرت این گروه، حمله اسرائیل به ایران در ۲۶ اکتبر ۲۰۲۴ و سقوط دولت اسد در سوریه، باعث شده است که جمهوری اسلامی ایران در یکی از سخت ترین لحظات حیات سیاسی خود قرار بگیرد. گمانه زنی بر سر فعال شدن مکانیسم ماشه، انتقال ایران ذیل فصل هفت منشور سازمان ملل متحد و حمله به تاسیسات هسته ای و خاک ایران شدت گرفته است. در این شرایط، ضروری است که سیاست مدار و تصمیم گیران ایرانی با اتخاذ تصمیمات لازم به دفع تهدیدات موجود پردازد. گزارش زیر در نظر دارد که ضمن تشریح تهدیداتی که از طرف ترامپ و اسرائیل متوجه ایران هستند، سناریوها و راه های برون رفت از وضعیت موجود و مشکلات را بررسی نماید.

رویکرد جدید ترامپ در قبال پرونده ایران

پرونده هسته ای ایران به چالشی بیست ساله برای رئیس جمهوران ایالات متحده آمریکا تبدیل شده است. در این بیست سال، انواع و اقسام راه ها، از مذاکره گرفته تا تهدید به حمله نظامی و فشار حداکثری، به کار گرفته شده تا این تهدید دفع شود. با این حال، برای ساکنان کاخ سفید، پرونده هسته ای ایران همچنان خطرناک دیده می شود. ترامپ تلاش دارد که این تهدید را برای همیشه پایان دهد.

بر خلاف دولت اول ترامپ که افراد موثری چون جیمز ماتیس، مایک پمپئو، جان بولتون و تاثیر گسترده ای در نوع سیاست های اعلامی ترامپ داشتند، در دولت دوم او، چهره تاثیر گذاری وجود ندارد که بتواند بر اراده او تاثیر بگذارد و ترامپ تصمیمی را که خود به آن رسیده پیاده می کند. افراد منصوب شده از سمت او فقط به خاطر اعلام وفاداری که به ترامپ داشتند در کابینه عضویت دارند و این مهم به نوع مواجهه با او و مقاصدش را سخت و پیچیده می کند. با این حال، نمی توان خطر این افراد برای ایران را نادیده گرفت. تقریباً تمام افراد منصوب شده در کابینه او، از جمله وزیر خارجه، وزیر دفاع، نماینده آمریکا در سازمان ملل، مشاور امنیت ملی و سفیر آمریکا در اسرائیل به شدت ضد ایران و طرفدار اسرائیل هستند و نفوذ لابی اسرائیل در این کابینه مشهود است اما در دولت ترامپ افراد طرفدار استفاده از دیپلماسی نظیر استیون ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه و تولسی



رصد و پایش مراکز
تحلیلی بین المللی

رصد خانه اندیشکده ها

گابارد، مدیر سازمان اطلاعات ملی آمریکا، نیز وجود دارند. برآیند رفتار ترامپ از زمان انتخاب مجدد به عنوان رئیس جمهور نیز نشان می دهد که او متمایل به استفاده از هر دو گزینه فشار حداکثری و مذاکره برای حل مسئله ایران است. او در عین حال که فرمان اجرایی سهمگین فشار حداکثری در مورد ایران را امضا کرد، گفت: «امیدواریم مجبور نباشیم از فرمان اجرایی علیه ایران که سند قدرتمندی است، استفاده کنیم و امیدواریم به توافق برسیم. ما آماده گفت و گو با رئیس جمهور ایران هستیم.» ایران با پدیده خطرناکی مواجه است که انتظار انجام هر کاری از او وارد است.

اسرائیل به دنبال آن است که ترامپ را مجاب به حمله به تأسیسات هسته ای و کشتادن جنگ به داخل خاک ایران کند. در جناح جمهوری خواه، انجام یک جنگ محدود و کوتاه مدت که بتواند با یک ضربه به تأسیسات هسته ای، تهدیدات ایران را خنثی کند، مورد قبول واقع شده است. تجربه دولت اول ترامپ نیز نشان داده که او ممکن است با انجام یک حمله محدود اما برق آسا که به تضعیف دشمنان یا رقبای ایالات متحده منجر می شود، موافقت کند.

لازم به ذکر است که در موقف کنونی، کشورهای اروپایی و برخی جناح های داخلی دو حزب اصلی آمریکا با حمله به ایران موافق نیستند زیرا فعالیت هسته ای ایران هنوز به تهدید جهانی تبدیل نشده و حمله اسرائیل می تواند دست ایران را برای آزمایش بمب اتمی باز کند. از طرفی بر خلاف اسرائیل که به دنبال براندازی نظام جمهوری اسلامی است و تجزیه ایران را در سر دارد، هدف آمریکا تجزیه ایران نیست. برای آمریکای ترامپ، ایده آل آن است که جمهوری اسلامی ایران به کشور ضعیفی همچون کوبا تبدیل شود و به مرور استحاله شود. با این وجود، رابطه مطلوب بین جراد کوشنر، داماد ترامپ و لابی اسرائیلی و میزان تاثیری که آرای کوشنر در تصمیمات ترامپ دارد، می تواند اشتراک نظر بین دولت ترامپ و دولت اسرائیل را بالا ببرد. اعلام فرمان اجرایی ترامپ در اعمال سیاست فشار حداکثری علیه ایران در روزی که با نتانیاهو دیدار کرد، موبد این نکته است.

در این میان، ممکن است عادی سازی روابط بین عربستان و اسرائیل با میانجی گری آمریکا نیز که برای طرح صلح ابراهیم ترامپ و شخص نتانیاهو مهم است، به نتیجه برسد هر چند ممکن است از نظر زمانی نزدیک نباشد. به نظر می رسد که عربستان با شرط حداقلی موافقت اسرائیل با تشکیل دولت فلسطینی، حتی اگر این موافقت منجر به این مهم نشود، همراهی کند.